

کد کنترل



362A

362

A

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه متمم کز) – سال ۱۴۰۰

دفترچه شماره (۱)

صبح جمعه

۹۹/۱۲/۱۵



جمهوری اسلامی ایران

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

سازمان سنجش آموزش کشور

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود.»

امام خمینی (ره)

رشته زبان و ادبیات عربی – (کد ۲۱۰)

مدت پاسخ‌گویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۱۰۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سوالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: – ترجمه و تعریب متون – صرف و نحو – علوم بلاغی(معانی، بیان، بدیع، عروض) – تاریخ ادبیات عربی – درک و فهم متون ادبی(قدیم و جدید)	۱۰۰	۱	۱۰۰

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

حق جاپ، تکثیر و انتشار سوالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

پی اچ دی تست؛ فحستین و ب سایت تخصصی آزمون دکتری

صفحه ۲

362A

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌تممرکز) – کد (۲۱۱۰)

* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، بهمنزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب با شماره داوطلبی با آگاهی کامل، یکسان بودن شماره صندلی خود را با شماره داوطلبی مندرج در بالای کارت ورود به جلسه، بالای پاسخ نامه و دفترچه سؤالات، نوع و کد کنترل درج شده بر روی دفترچه سؤالات و پائین پاسخ نامه ام را تأیید می نمایم.

امضا:

■ ■ عین الأسباب والأدق في الجواب عن الترجمة أو التعریف أو المفهوم (۱۰-۱)

- ۱- عین الصحيح:

- ۱) « و زنوا بالقسطاس المستقيم»: و با ترازوی سالم وزن کنید!
- ۲) « الشّعراَء يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ»: گمراهان از شاعران تعیت می کنند!
- ۳) « أَزْلَفَتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَقِّينَ»: بهشت برای تقوا پیشگان آورده می شود!
- ۴) « إِنِّي لَا يَخَافُ لَدِيَ الْمَرْسُلُونَ»: قطعاً نزد من فرستادگان نمی هراسند!

- ۲- « إِنَّ اللَّهَ سَبَحَانَهُ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ الْمُسْكَبِرِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ بِأُولَائِهِ الْمُسْتَضْعِفِينَ فِي أَعْيُنِهِمْ!»: الله سبحانه و تعالی ...
(۱) بندگان خود را که از درون مستکبر شده‌اند، بوسیله دوستان خود که در چشمان آنان مستضعف هستند می آزماید!

(۲) عبادی را که در خویشتن مستکبر گشته‌اند، بوسیله دوستانی آزمایش می کند که در نظر آن مستکبران، مستضعف گشته‌اند!

(۳) بندگان خود را که در نزد خود مستکبر هستند، بوسیله دوستان خود که در نظر آن مستکبران مستضعف هستند، می آزماید!

(۴) عباد مستکبر را که نزد خویش بزرگ و چشمگیر شده‌اند بوسیله دوستانی می آزماید که در چشمان آن مستکبران به استضعف کشیده شده‌اند!

- ۳- « فَمَا لَعِنِيْكَ، إِنْ قَلْتَ أَكْفُفَا هَمَّتَا وَ مَا لَقْبُكَ، إِنْ قَلْتَ اسْتَفْقَ يَهِمْ!»:

(۱) چشمها یات را چه شده، چرا وقتی به آنها گفته می شود دست از اشک ریختن بردارید، می گریند، و قلب را چه شده که چون گفته می شود بیدار باش، حیران تر می گردد!

(۲) چرا چون از دو چشم می خواهی که نگریند، شروع به اشک ریختن می کنند؛ و چون قلب را به هوشیاری دعوت می کنی، حیرت زده می گردد!

(۳) چشمان را چه شده که اگر بگویی از اشک باز ایستید؛ اشکشان جاری می شود؛ و قلب را چه شده که اگر بگویی هوشیار باش حیران می شود!

(۴) چرا وقتی به دو چشم می گویی اشک نریزنند، اشک می ریزند؛ و وقتی به قلب می گویی هوشیار باشد، سرگردان می شود!

پی اچ دی تست؛ نخستین وب سایت تخصصی آزمون دکتری

صفحه ۳

362A

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌مت مرکز) - کد (۲۱۱۰)

۴- « و لَا تَرْدِهِي الْأَجْهَالُ حِلْمِي، وَلَا أُرَى سُوْوَلًا بِأَعْقَابِ الْأَقْوَيْلِ أُنْمِلُ!»:

۱) حلم من نمی‌تواند رؤیاهای مرا زینت بخشد، و در خواب هم نمی‌بینم که از سخنان مردم پرس‌وحو نمایم!

۲) صبر و حلم من باعث زینت جاهلان نمی‌گردد، و من با سؤال خویش انگشت بر سخنان مردم نمی‌گذارم!

۳) کسی ندیده که نادانها بردباری مرا از بین ببرند، و یا من همچون مورچگانی جستجوگر به دنبال حرفهای مردم باشم و نمایم کنم!

۴) جهالتها نمی‌توانند حلم مرا به سبک‌رفتاری بدل کنند، و دیده نمی‌شوم که به دنبال حرفهای مردم باشم و سخن چینی کنم!

۵- « لِيَسْ يُنْجِي الَّذِي يَوَالِي مَنَا رَأْسُ طَوْدٍ أَوْ حَرَّةً رَجَلَاءِ!»:

۱) هرکس با ما دوستی کند به قلعه‌های رفیع شرف و آزادگی دست خواهد یافت آنگونه که کسی را بر او دسترسی نباشد!

۲) هیچ‌کس نیست که بتواند با واسطه دیگری غیر از ما به قله بلند کوه عزّت و زمینهای هموار شرف برسد!

۳) کسی که افراد هم‌پیمان ما را از قله‌های کوه و زمینهای سخت و ریگزار نجات دهد وجود ندارد!

۴) کسی را که از ما می‌گریزد، قله کوه یا زمین ریگزار وسیع هم او را نجات نمی‌دهد!

۶- « أَوْدَ لَوْ غَرَقْتَ فِي دَمِي إِلَى الْفَرَارِ / لَأَحْمَلَ الْعَبْءَ مَعَ الْبَشَرِ / وَ أَبْعَثَ الْحَيَاةَ، إِنَّ مَوْتِي اِنْتِصَارِ!»:

۱) آرزو دارم که غرق در خون شوم برای رسیدن به آرامش، تا سنگینی بار را همراه مردم به دوش کشم، و زندگی را دوباره آغاز کنم، چه مرگ شروع پیروزی است!

۲) دوست دارم که کاش غرق خون گردم تا به سکون برسم، و بار سنگین را همراه گروه مردم تحمل کنم، و زندگی را دگرگون سازم، که مرگ من برابر پیروزی است!

۳) دوست دارم کاش در مسیر حرکت بسوی آرامش در خون خود غرق شوم، تا این بار را همراه افراد بشر به دوش کشم، و به زندگی نشاط و جان تازه بخشم، که مرگ من پیروزی است!

۴) آرزو می‌کنم کاش در خون خویش غرق شوم بسوی وعده داده شده، تا این بار سنگین را تحمل کنم، و زندگی را دگرگون کنم، که مرگ همان پیروزی است!

۷- « إِنْتَخَبْتَ مِنْ جَيْشِهِ أَبْنَاءَ الْغَيَايَاتِ وَ آَسَادَ الْغَابَاتِ!». عَيْنَ الْخَطَا فِي الْمَفْهُومِ:

۱) اصطافی من جماعت‌هه فئة ممن لم يكن آيساً و جباناً!

۲) قام بانتقاء صفوة من البطلة و أصحاب العمل!

۳) اختار بعضًا ممن كان من الأملين و الشجعان!

۴) بدأ يزور جيشه بأفراد خبراء كهول محنّين!

- ۸ « تأثیر زبان عربی در زبان و ادبیات فارسی محدود به دخول تعدادی کلمات عربی در این زبان نماند، بلکه بتدریج مقدار قابل توجهی از ترکیبات و تعبیرات و امثال عربی هم در زبان فارسی رایج شد! »
- ۱) لم بیق تأثیر **اللغة العربية** في اللغة الفارسية و أدابها محدوداً بدخول عدد من الألفاظ العربية في هذه اللغة، بل شاع تدريجياً كم لا يُستهان به من الترکیبات و التعبیر و الأمثال العربية في اللغة الفارسية!
- ۲) إن تأثیر **اللغة العربية** على الأدب الفارسي و محاورتها لم يبق محدوداً بورود بعض الكلمات العربية في هذه اللغة، بل راج تدريجياً كم يلفت النظر من ترکیبات و تعبیرات و أمثال عربية في هذه اللغة!
- ۳) ما بقي أثر **اللغة العربية** في الأدب الفارسي و لسان التكلم ممحض بظهور بعض المفردات العربية داخل اللغة الفارسية، بل تدرج قسم ملحوظ في هذه اللغة من التراكيب و التعبيرات و أمثالها!
- ۴) أثر **اللغة العربية** في اللغة الفارسية و أدابها ما بقي محدوداً بإدخال قسم لا يأس به من مفردات عربية في اللغة الفارسية، بل تدرجًا شاع فيه من تراكيب و أمثال و حكم!
- ۹ « در سال ۱۴ بعثت، پیامبر اکرم و مسلمانان که مکه را محیطی نامساعد برای ادامه حضور خویش می‌دیدند، یثرب را جایی امن یافتند و به آن شهر هجرت کردند، و بدین ترتیب اسلام وارد مرحله جدیدی از توسعه خود شد! »
- ۱) في السنة الرابعة عشرة منبعثة رأى النبيّ الأعظم و المسلمين أنَّ مكَّةَ تشكّل وسطاً غير مناسب لاستمرار حضورهم فيها و أنَّ يثرب تمثل مكاناً آمناً لهم فهاجروا إلى هذه المدينة، و هكذا دخل الإسلام مرحلة جديدة من توسعه!
- ۲) في السنة الرابعة عشرة منبعثة وجد النبيّ الأكرم و المسلمين الذين كانوا يرون في مكَّةَ وسطاً غير ملائم لاستمرار تواجدهم، أنَّ يثرب تمثل مكاناً آمناً لهم فهاجروا إليها، و هكذا دخل الإسلام مرحلة جديدة من انتشاره!
- ۳) في العام الرابع عشر منبعثة تبيّن للنبيّ الأعظم و لمن أسلم معه و هم وجدوا وسطاً غير مناسب لإدامة بقائهم فيها و أنَّ يثرب تمثل مكاناً مأموناً لهم فهاجروا إليها، و بهذا الترتيب بدأ الإسلام مرحلة حديثة من توسعه!
- ۴) في عام الرابع عشر منبعثة واجه النبيّ الأكرم و الدين أسلموا أنَّ مكَّةَ ليست مكاناً ملائماً لاستمرار حضورهم، فقاموا بالهجرة إلى مدينة يثرب، و بهذا الترتيب شرع الإسلام مرحلة حديثة من انتشاره!

پی اچ دی تست؛ فحستین و ب سایت تخصصی آزمون دکتری

صفحه ۵

362A

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌تمركز) – کد (۲۱۱۰)

- ۱۰ - « صندوق بین‌المللی پول پیش از آنکه با اعطای وام به کشورهایی که سخت نیازمند آن هستند موافقت کند، شرطهای اهانت‌آمیزی را برای آنها می‌گذارد! »
- ۱) صندوق النقد الدولي یفرض علی الدول شروطًا مهینة قبل الموافقة على منحها قروضاً تحتاج إليها بشکل ضاغط!
- ۲) یفرض صندوق العملة الدولية على الدول شروطًا هينة قبل موافقته على إعطاء القروض التي تحتاج إليها بشدة!
- ۳) يحمل صندوق العملة الدولية الدول شروطًا مستهينة قبل أن يوافق على إعطاء الديون التي بحاجة ماسة إليها!
- ۴) الصندوق الدولي للنقد يجعل للدول التي تحتاج إلى قروض شروطًا مهينة قبل الموافقة على ذلك الأمر!

■ ■ عين المناسب في الجواب عن الإعراب و التحليل الصرفی (۱۱-۱۵)

- ۱۱ - « قلنا يا آدم أُسْكِنْ أَنْتَ و زوجك الجنّة و كُلُّ مِنْهَا رَغْدًا حِيثُ شَنَّتَمَا ». عين الخطأ:
- ۱) آدم: اسم تفضيل و منوع من الصرف؛ زوج: معطوف و مرفوع بالتبعية للمعطوف عليه ضمير أنت « البارز »
- ۲) أُسْكِنْ: فعل و فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره « أنت »؛ و « أنت » البارز مؤكّد لفظي و مرفوع محلّاً بالتبعية
- ۳) حِيثُ: ظرف أو مفعول فيه للمكان و متعلقه فعل « كلاً »، أو بدل من الجنّة و منصوب محلّاً بالتبعية؛ شَنَّتَمَا: جملة فعلية و مضاف إليه و مجرور محلّاً
- ۴) كُلُّ: فعل أمر و مهمور الفاء و مبني على حذف نون الإعراب؛ رَغْدًا: صفة لمصدر محذف تقديره « أَكَلَّا رَغْدًا » أو مصدر في موضع الحال تقديره « مستطيبيين متهنّين »
- ۱۲ - « فَإِنْ أَكُّ قدْ أُوتِيتُ مَالًا فَلَمْ أَكُنْ بِهِ بَطِرًا، فَلَحَالٌ قَدْ يَتَحَوَّلُ ! ». عين الخطأ:
- ۱) أُوتِيتُ: فعل ماضٍ من باب إفعال، مبني للمفعول أو للمجهول، نائب فاعله الضمير البارز، و « مالًا » مفعول به ثانٍ
- ۲) أَكُّ: فعل شرط و مجزوم بحذف النون (أصله: أَكَنْ)، ومن الأفعال الناقصة اسمه ضمير « أنا » المستتر فيه وجوباً
- ۳) أَكَنْ: مضارع للمتكلّم وحده، معتل و أجوف و قد حذفت حرف العلة لرفع النقاء الساكنين، وكذلك يجوز حذف لام الفعل
- ۴) يَتَحَوَّلُ: مضارع من باب تفعّل، فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً، و الجملة فعلية و خبر و الرابط الضمير المستتر، و « قد » حرف للتقليل أو التوقع

پی اچ دی تست؛ فحستین و ب سایت تخصصی آزمون دکتری

صفحه ٦

362A

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه متمرکز) - کد (۲۱۱۰)

١٣ - «رُبَّهْ فَتِيَّةْ دَعَوْتُ إِلَى مَا يُورَثُ الْمَجَدَ دَائِبًا، فَأَجَابُوا!». عَيْنَ الْخَطَأُ:

١) رب: حرف جر شبيه بالزائد، رب: جار و مجرور و متعلقهما ممحوف؛ فتية: تمييز و منصوب

٢) دعوت: فعل ماضٍ للمتكلّم وحده، فاعله الضمير البارز، و الجملة فعلية و خبر للمبتدأ ضمير الهاء في «ربه»

٣) يورث: مضارع من باب إفعال، معتل و مثال، فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً، و الجملة فعلية و صلة للموصول «ما»

٤) أجابوا: ماضٍ من باب إفعال، معتل و أجوف و له الإعلال بالقلب، مبني على الضم، فاعله ضمير الواو البارز، و الجملة فعلية

٤ - ١ - «يَا أَيَّهَا الرَّاكِبُ الْمُرْجِيُّ مَطْبَيْهُ سَائِلُ بْنِي أَسْدٍ: مَا هَذِهِ الصَّوْتُ!». عَيْنَ الْخَطَأُ:

١) بنى: جمع سالم للمذكر بالإلحاق و منصوب بالياء على أنه مفعول به للفعل «سائل»، و «أسد» مضاد إليه

٢) الراكب: اسم فاعل (مصدره: ركوب)، و نعت و مبني على الضم بالتبعية للمنعوت «أي» النكرة المقصودة

٣) مطبيّة: صفة مشبهة يستوي فيها المذكر و المؤنث، و الناء للنقل، و نائب فاعل لشبه الفعل «المرجي»

٤) الصوت: اسم مذكر، مؤول بالتأنيث مریداً به «الضجة أو الصرخات» من باب المؤنث التأويلي

٥ - ١ - «إِنْ مُتَّ فِي هُوَاهَا، دَعْنِي أَمْتَ فِدَاهَا يَا عَاذِلَيْ ثَنَاهَا، ذَرْنِي وَ مَا أَلْقَى!». عَيْنَ الْخَطَأُ:

١) أمت: مضارع، معتل و أجوف، جواب طلب و مجزوم على أنه جواب لشرط ممحوف، عالمة جزمه حذف حرف العلة

٢) ما: موصول عام و مفعول معه، و «اللقي» مضارع من باب مفاعة و الجملة فعلية صلة و عائدتها ممحوف تقديره «اللقيه»

٣) دع: فعل أمر من مجرد ثلاثي، معتل و مثال (له إعلال الحذف)، و فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنت» و الجملة فعلية و طلبية

٤) عاذل: مشتق و اسم فاعل، منادي مضاد و منصوب بفتحة مقدرة، و الياء في محل نصب على أنها مفعول به لشبه الفعل «عاذل»، و «ثنا» مفعول به ثان أو منصوب بنزع الخافض

■ ■ عَيْنَ الْمَنَاسِبُ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئِلَةِ التَّالِيَّةِ (١٦ - ٣٠)

١٦ - عَيْنَ نَوْعِ الإِعْلَالِ فِي «تَسْسِين» لِلْمَخَاطِبَةِ وَ لِلْمَخَاطِبَاتِ:

١) بالقلب فقط / بالإسكان ٢) بدون إعلال / بالحذف

٣) بالحذف / بالإسكان فقط ٤) بالقلب والحذف / بدون إعلال

۱۷- عین الخطأ عن الجمع المكسر:

- ۱) ظُفر ← أظافر (قلة) ← جمع الجمع و منتهي الجموع) / حلية ← حلّي (كثرة)
- ۲) ضلع ← أضلع (قلة) ← أضالع (قلة و جمع الجمع) / أنملة ← أنامل (جمع الجمع)
- ۳) قطعة ← قطع (كثرة) / سفرجل ← سفارج (منتهي الجموع)
- ۴) إكليل ← أكاليل (منتهي الجموع) / صورة ← صور (كثرة)

۱۸- عین الخطأ عن دخول نون التوكيد على الأفعال:

- ۱) يا رجال، هل تنهوْنَ عن خلق و تائِنَ بمثله!
- ۲) فيَنَّ بعهدك حيثُما عاهدتَ امرأً!
- ۳) ألا ليت الغافلات يَخرجنَّ عن طريق الغيّ!
- ۴) و الله لسوف أخدمنَّك برغبةٍ!

۱۹- عین الخطأ (في القسم):

- ۱) أقسم و الله لاَؤَدِّبُ المُذَبِّرَ عن الحقّ!
- ۲) و الذي بعثه بالحق لتبليبنَ بلبلة!
- ۳) أقسم بالله من غررتموه فهو مغرور!

۲۰- عین ما لا يجوز فيه حذف العائد:

- ۱) جاء الذي أنا صاحبه!
- ۲) فاقضِ ما أنت قاضيه!
- ۳) جاء الذي أنا أخيه!
- ۴) و يشرب مما تشربون منه!

۲۱- عین ما فيه شبه فعل عامل في المرفوع ظاهراً:

- ۱) إنَّ عصيَانَ العالِمِ النصائح، يورث لنا النَّدَامةَ!
- ۲) إنَّ الطَّلَبَةَ المختلَفةَ آراؤُهم يدرُسُونَ في جامِعَةٍ واحدةٍ!
- ۳) الاجتِماعُ و الثباتُ في كُلِّ شيءٍ ناصِرُ الإنسَانَ و لَو خطَا!
- ۴) أنتم الطَّلَابُ أكْثَرُ النَّاسِ تأثِيرًا عَلَى حركةِ الْعِلْمِ فِي الْمَجَمِعِ!

۲۲- عین الصحيح بعد دخول «كان» على الآية الشريفة («هو الله أحد») مراعيًّا بناءها:

- ۱) كان هو اللهُ أحداً! ۲) كان اللهُ أحداً! ۳) كان اللهُ أحداً! ۴) كان اللهُ أحداً!

۲۳- عین الصحيح:

- ۱) ما الأحرار ممقوتين لكن مكرّمين!
- ۲) ما الخيرين إلا مثابين على عملهم!
- ۳) ما المنافق فائزًا و لا مرتاحًا!
- ۴) ما المتكاسل ناجحًا بل خاسرًا!

۲۴- عین الجواب الذي يكون «عسى» فيه من أفعال المقاربة فقط:

- ۱) عسى أن ينجح الطَّلَابُ في الامتحان!
- ۲) «عسى أن يبعثك ربُّك مقاماً مَحْمُوداً»
- ۳) عسى أن ينْجُح في الامتحان الطَّلَاب!

۲۵- عین الخطأ (في باب التحذير):

- ۱) الملَقُ الملَقُ للنَّئِيمِ، و إِيَّاكَ أَن تَتَذَلَّ لَهُ!

۲) المماتُ المماتُ، و إِيَّاكَ أَن لِقَائِهِ بِلَادِعَةٍ!

- ۳) نفسكم والانهماك في المللّات و إِيَّاكَ و الإفراط فيها!

۴) الإهمالُ الإهمالُ، و إِيَّاكَ تَتَكَاسِلُ فِي القيام بِوَاجِباتِكِ!

پی اچ دی تست؛ نخستین وب سایت تخصصی آزمون دکتری

٢٦- عين الخطأ (في باب التنازع):

- ١) رغبت عنهم و أكرمني الوالدان !
٢) يأتون و يسلم عليك الضيوف !
٣) أكرمني و رغبت عنهم الوالدان !
٤) يأتي و يسلمون عليك الضيوف !

٤٧ - عين الخطأ (في التعجب):

- ٤) ما كان أطيبَ عند الأسحار هبوبَ النسيم!
٢) ما أجملَ ما كان طلوعُ البدْر في الليل!

١) ما يكون أحسنَ البدْر طالعاً!
٣) ما أحسنَ ما يكون البدْر طالعاً!

^{٢٨} - «دخلت القاعة و الطلبة جالسون على كراسיהם!». عين الخطأ عما أشير إليه بخط:

- ١) الجملة حالية و مؤولة بالقول « متأخراً »!
 - ٢) الجملة في محل نصب و الواو قبلها رابط!
 - ٣) الجملة حالية و في محل نصب، و رابطها

٤) الحملة من الأحوال التي حكمها حكم الظرف، فعريت الحملة نفسها عن الضمير الرابط!

٢٩- «ينجح الطلبة في الامتحان و لاسيما ... منهم!». عين الخطأ للفراغ:

- ١) المجتهدين ٢) هو المجتهد ٣) الذي يجتهد ٤) المجتهدون

٣٠- عين الخطأ في إعراب تابع المنادي:

- ١) «يا جبالُ أَوْبِي مَعَهُ وَ الطَّيْرَ»
 ٢) يا جنودُ أَجْمَعُونَ
 ٣) يا رزاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمُتَّيْنِ!
 ٤) يا تَلَامِيذَ كَلَّكُمْ!

■ عين المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٤٠ - ٣١) ■

٣١- عين **الخطأ** في دواعي تعريف المسند إليه:

١٤) **﴿فَذلِكَ الَّذِي لَمْ تُنَتِّنِ فِيهِ﴾** عرَفَ المسندُ إِلَيْهِ بِاسْمِ الإِشَارَةِ لِإِظْهَارِ الْاسْتَغْرَابِ!

٢٤) «و جاء السحرةُ فرعون» عرّف المسند إليه بأجل الجنسية للإشارة إلى كلّ الأفراد مقيداً!

^{٣٣}) «أهلك الناس الدرهم والدينار» عرف المسند إليه بالجنسية للإشارة إلى الحقيقة في ضمن فرد مبهم!

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ عَرَفَ الْمَسْنَدُ إِلَيْهِ بِالْمَوْصُولِيَّةِ لِلإِشَارَةِ إِلَى الْوَجْهِ الَّذِي بَيَّنَ عَلَيْهِ الْخَبْرَ!

٣٢- «أَنْشَا يُمْزَقُ أَثْوَابِي يُؤْدِنِي» أَبْعَدْ شَبَّيْ عَنْدِي يَتَغَيَّرُ الْأَدْبَارُ». عَيْنُ الْخَطَّاءِ:

^{١٤}) قدم الظرف وهو «بعد» في المصراع الثاني لأنّه محظوظ الإنكار!

٢) شبه كمال الاتصال بين جملتي «أنشأ» و «يؤديبني»!

(٣) الإطناب بالذبيل و ليس فيه توشيع!

٤) الاستفهام فيه للتوبيخ!

۳۳- عین الخطأ في التقديم:

- ۱) «فَلَمَّا يُبَيِّنَ فَلَاقَهُ» قدم المفعول به للتخصيص!
- ۲) «يَدُ الْمَعْرُوفِ غُنْمٌ حِيثُ كَانَتْ» تقديم المسند إليه لم يكن لداعٍ دلاليًّا!
- ۳) «مَا كُلَّ مَا يَتَمَنَّى إِلَيْهِ يَدْرِكُهُ» تقديم النفي على العموم يفيد نفي الشمول!
- ۴) «وَلَمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقْرٌ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ» قدم المسند للتبنيه من أول الأمر على أنه خبر لا نعت!

۳۴- عین الخطأ: إذا قلت:

- ۱) «مَا أَنَا فَعَلْتُ»؛ كُنتْ نفيت عنك فعلاً ثبت أنَّه مفعولٌ!
- ۲) «مَا فَعَلْتُ»؛ كنتْ نفيت عنك فعلاً لم يثبت أنَّه مفعولٌ!
- ۳) «مَا أَنَا رَأَيْتُ إِلَّا زِيدًا»؛ هذا الكلام فصيح، و كانتْ قد نفيت أن تكون رائياً زيداً!
- ۴) «مَا أَنَا رَأَيْتُ أَحَدًا فِي الْبَلَادِ»؛ كنتْ نفيت أن تكون رائياً و «أَحَد» مرئيًّا و هذه الجملة غير فصيحة!

۳۵- عین الصحيح لإكمال الفراغات في النص التالي:

«وَأَمَّا دُخُولُ «لَوْ» عَلَى الْمَضَارِعِ فِي نَحْوِ قَوْلِهِ تَعَالَى «لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعِنْتُمْ» فَلَقَصَدَ..... الْفَعْلَ فِيمَا مَضِيَ وَقْتًا فَوْقَتًا، كَمَا فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ» فَإِنَّ «يَسْتَهْزِئُ» يَفِيدُ..... الْاسْتَهْزَاءَ وَ تَجَدَّدُهُ وَقْتًا بَعْدَ وَقْتٍ، وَ دُخُولُ «لَوْ» عَلَى الْمَضَارِعِ فِي نَحْوِ «وَلَوْ تَرِى إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ» فَإِنَّمَا هُوَ لـ.....».

۱) تقرير - ثبوت - تفظيع المضارع

۲) استمرار - ثبوت - تهويل صورة المضارع

۳) استمرار - حدوث - تنزيل المضارع منزلة الماضي

۴) تقرير - حدوث - تنزيل المضارع منزلة المستقبل

۳۶- قال الله تعالى «فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسْدًا لَهُ خَوار» عین الصحيح: في الآية

- ۱) استعارة و طرافها حسيّة و الجامع عقلي
- ۲) استعارة و طرافها عقلية و الجامع عقلي
- ۳) تشبيه و طرافه حسيّ و الوجه حسيّ
- ۴) تشبيه و طرافه عقلّي و الوجه عقلّي

۳۷- عین الصحيح في غرض التشبيه:

- ۱) أصبحت من ليلى الغداة كقاربٍ
- ۲) ما قُوبَلَتْ عِينَاهُ إِلَّا ظَنَّتْ
- ۳) و تفتحُ - لا كانتْ - فَمَا لَوْ رَأَيْتَهُ
- ۴) و كم أَبِ قَدْ عَلَا بَابِنْ ذُرَا شَرَفِ

۳۸- عین العلاقة باعتبار «ما يكون» في الجملات التالية:

- ۱) لاتكنْ أَذْنَا تَنَقْبِلُ كُلَّ وَشَيْءًا!
- ۲) من قُتِلَ قُتِيلاً فَلَهُ سُبْلَهُ!
- ۳) في رحمة الله هم فيها خالدون!
- ۴) سقط الدُّلُوُ الأرضَ!

پی اچ دی تست؛ فحستین و ب سایت تخصصی آزمون دکتری

صفحه ۱۰

362A

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌تمركز) - کد (۲۱۱۰)

٣٩ - عین المحسنة البدعية التي يخلو منها البيت التالي:

«فضحت الحَيَا وَ الْبَحْرَ جُودًا فَقَدْ بَكَى الـ..... حَيَا مِنْ حَيَاءِ مِنْكَ وَ التَّطَمَّ الْبَحْرُ»

- ١) المبالغة ٢) التقسيم ٣) المشاكلة ٤) حسن التعليل

٤٠ - عین الصحيح في نوع القافية في البيت التالي:

«بانت سعاد فقلبي اليوم متبولٌ مُتَبَّلٌ إثراها لم يُفَدَ مكبولٌ»

- ١) مجردة مطلقة ٢) مُردفة مطلقة ٣) مؤسسة مردفة ٤) مردفة مقيدة

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٤١ - ٧٠)

٤١ - عین الصحيح في تقسيم الأدب من ناحية أصلالة لغته:

١) أدب قديم، أدب مخضرم، أدب مولد، أدب محدث

٢) أدب قديم، أدب إسلامي، أدب عباسى، أدب نهضة

٣) أدب جاهلي، أدب إسلامي، أدب أموي، أدب عباسى

٤) أدب جاهلي، أدب مخضرم، أدب إسلامي، أدب عباسى

٤٢ - عین الصحيح في خصائص الشعر الجاهلي:

١) ينم عن عمق التفكير و الخيال و مтанة في السبك و سلاسة و موسيقى في التعبير!

٢) يتتصف بدقة الوصف و استكمال الصورة الحسية و التفكير الذي يخلو من التحليل!

٣) أكثره مقطوعات غارقة في الخيال غابت عليه النظرة التحليلية و اتصف بجمال النغم و موسيقاها!

٤) أكثره مقطوعات و أبيات، غابت عليه النزعة الانفرادية الفبلية و المادوية و الواقعية فضاق نطاق خياله!

٤٣ - عین الصحيح للفراغ: «..... حينما يهجو يدخل مع المهجوين في جدل منطقي يردد به على الحج

التي في وسعهم أن يتذرّعوا بها كما فعل في هجائه لآل حصن بالبيت الشهير الذي سمى لأجله قاضي
الشعراء»

١) زهير بن أبي سلمى ٢) النابغة الذبياني

٣) طرفة بن العبد ٤) عمرو بن كلثوم

٤٤ - عین الصحيح:

١) أقدم شعر وصل إلينا هو المعلقات السبع!

٢) نظم الشاعر الجاهلي أكثر شعره على أوزان قصيرة التفاعيل!

٣) من أهم شعراء المدرسة الأولى في الجاهلية: النابغة و زهير و الحطيئة!

٤) عدي بن زيد كان يمثل النموذج الواضح الكامل للصلة في الجاهلية لذلك سمى بعروة الصعاليك!

۵ - عین الخطأ:

- ۱) في النَّقائض ينظم الشاعر قصيدة في الفخر بقبيلته و هجاء خصومها فيُرِد عليه بقصيدة على وزن قصيده و رويه!
- ۲) النَّقائض مناظرات شعرية قامت على غرار المناظرات العقلية و امترجت بسخرية لاذعة بالقبيلة!
- ۳) إنَّ النَّقائض هي أهانَج بالمعنى القديم الذي كان يفهمه العرب في الجاهلية للهجاء!
- ۴) العصبيات القبلية أدت إلى اشتعال نيران الهجاء بين القبائل و تحول شعر الهجاء إلى نقائض!
- ۶ - عین الصحيح للفrag: «إنَّ رأس المذهب الشامي إلا أنه لم يذكر مع أبي تمام إلا مجازاً و هو الذي شهد جده الأعلى مؤته (٨ هـ . ق) ومعظم رثائه في آل البيت!
- ۱) الکمیت
- ۲) دیک الجن الحنصی
- ۳) کثیر عزة
- ۴) دعبدل بن علي الخزاعی
- ۴ - عین الصحيح عن مؤلفي هذه الكتب على التوالي: «مجازات الآثار النبوية، درة الغواص في أوهام الخواص، الأوراق»
- ۱) الشريف الرضا - الحريري - أبي قتيبة
- ۲) الشريف الرضا - الحافظ - الصولي
- ۴) الحريري - الشريف الرضا - ابن قتيبة
- ۸ - عین الصحيح عن هؤلاء الكتاب:
- ۱) جمع الثعالبي في بيتهما الدهر أخبار الشعراء و الكتاب و علماء عصره!
- ۲) صنف ابن قتيبة كتاب الشعر و الشعراء و كان يحب الجاحظ و يتبعه في أسلوبه!
- ۳) كان أبو العباس من أعلام رجال العلم و الأدب و ممثلاً لمذهب الكوفة في النحو و أشهر آثاره كتاب «الكامل»!
- ۴) يُعرف أبو بكر بالشطرنجي لمهاراته بلعبة الشطرنج و كان من أكابر علماء الأدب، و من مؤلفاته كتاب «أخبار أبي تمام»!
- ۹ - عین الصحيح للفrag: «إنَّ هو الأديب الذي تتجلى في مؤلفاته آثار الفلسفة اليونانية و الحكمة الهندية و الفارسية!»
- ۱) الجاحظ
- ۲) ابن المقفع
- ۳) ابن العميد
- ۴) سهل بن هارون
- ۰ - عین الصحيح: «من أصحاب المنهج الكلامي في النقد العربي القديم»
- ۱) ابن بشير الأدمي
- ۲) قدامة بن جعفر
- ۳) ابن قتيبة الدينوري
- ۴) ابن سلام الجمحى
- ۱۰ - عین الخطأ عن العصر المملوكي:
- ۱) إنَّ من الظلم أن نؤاخذ أدباء العصر بمنطق عصر آخر دون رعاية لظروفه ثم نؤنّهم!
- ۲) هذه الفترة مظلومة إذ سميت تسمية فيها قليل من الصواب و كثير من الخطأ و الباطل!
- ۳) ربما لم نجد عصرًا من عصور تاريخ الأدب أكثر منه فراغاً من روائع الشعر!
- ۴) إنَّ هذا العصر حفظ كنوز حضارتنا العربية لغويًا و أدبيًا و فكريًا!

پی اچ دی تست؛ فختین و ب سایت تخصصی آزمون دکتری

صفحه ۱۲

362A

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌تمركز) - کد (۲۱۱۰)

۵۲ - عین الخطأ عن مجالات البحث في الأدب المقارن وفق المفهوم التقليدي (الفرنسي):

۱) دراسة الألفاظ الدخلية في أدب شعب ما!

۲) دراسة المدارس و التيارات الأدبية بين مختلف الشعوب!

۳) دراسة التأثيرات و التأثرات و الموضوعات والنمذج الإنسانية بين الآداب المختلفة!

۴) دراسة الأجناس الأدبية و تطورها و دراسة أدب الرحلات لمعرفة صورة شعب من الشعوب!

۵۳ - عین الصحيح: « مما لم نكن من الفتوّات والمعابر الأساسية التي عبرت عليها الحضارة الإسلامية في طريقها إلى أوروبا يمكن الإشارة إلى»

۱) الحروب الصليبية!

۲) جزيرة صقلية و الأندلس!

۳) الأتراك العثمانيين!

۴ - عین الخطأ:

۱) حكايات « كلستان » لسعدي الشيرازي تمثل المقامات العربية و تعتبر تقليداً لها!

۲) أحد مصادر ثقافة الشعوب هي القصة التي نشأت في العربية موجهة إلى التسلية الشعبية!

۳) تأثر الشاعر و المفكّر الألماني الكبير « جيّة » بالقرآن و الإسلام و بالأدبين الفارسي و العربي!

۴) أثرت حكايات كليلة و دمنة و ألف ليلة و ليلة و المقامات العربية في الآداب الأروبية و دفعتها إلى محاكاتها!

۵۵ - عین الخطأ:

۱) من جراء دراسة الأدب المقارن يجب أن نستشف سلوك الأمم و خلقياتها و ما فيها من الموصفات لكلٌ من أصحاب الثقافات!

۲) اختلاف اللغة بين الآداب المختلفة و إثبات العلاقات التاريخية شرطٌ ضروريان لإجراء المقارنة بين الآداب القومية!

۳) الأدب المقارن يهدف إلى المقارنة و لا يهتم بالتشابهات و مواطن الخلاف بين الآداب!

۴) دراسة جذور العلاقات التاريخية بين الأمم من الاتجاهات المهمة في الدراسات المقارنية!

۵۶ - عین الخطأ عن المقامات:

۱) لم يتأثر حمidi في مقاماته بالمقامات الفارسية إلا من حيث الإطار و الشكل!

۲) المقدمة فن أدبي منثور و هي عرض لمهارات المؤلف اللغوية في قالب قصصي تغلب عليه روح الفكاهة!

۳) الجديد في المقامات هو القالب الذي يعرض فيه المؤلف ثروته اللغوية؛ فهي في باب التصانيف اللغوية أدخل!

۴) من مظاهر تأثير المقامات العربية في مقامات حمidi الفارسية هي الإكثار من السجع و العبارات العربية المتلاحقة و تقليد حمidi للجمل الفعلية العربية و للموضوعات!

۵۷- عین ما ليس من خصائص المدرسة الكلاسيكية:

- ١) شكلية اللغة و الاهتمام بصورتها
- ٢) الوجهة التعليمية و الأخلاقية
- ٣) الفردية و تضخمها
- ٤) الابتعاد عن اللّغة العاميّة

۵۸- عین ما ليس من عوامل ظهور المذهب الرومانسي العربي:

- ١) المجالات و الصحف الداعية
- ٢) الانتقادات التي وجهت إلى الواقعيين
- ٣) التجمعات الأدبية المجددة
- ٤) معاناة الجيل بعد الحرب العالمية الأولى

۵۹- عین الصحيح للفrag: «الوحدة العضوية للقصيدة هي من خصائص مدرسة في الشعر العربي المعاصر!»

- ١) أبواللو!
- ٢) الديوان!
- ٣) الإحياء!
- ٤) المهجـر!

٦٠- عین ما لأنسب بتاتاً عن الأسلوبية!

- ١) «التناص» و «الانزياح» لا يرتبطان بالأسلوبية بخلاف «الاختيار» و «الاستبدال»
- ٢) الدراسات الأسلوبية تتبنى أحياناً المنهج الإحصائي الذي يبتعد عن شعرية النص!
- ٣) إنَّ الأسلوبية هي دراسة الانحرافات اللغوية عمّا هو مألف في اللغة!
- ٤) إنَّ الأسلوبية وريث البلاغة و إنَّها بديل في عصر البدائل!

٦١- عین الصحيح عن منهج هؤلاء النقاد المعاصرين:

- ١) لويس عوض: المنهج التفككي
- ٢) شكري عياد: المنهج الاجتماعي
- ٣) عبدالله الغذامي: المنهج الشكلي
- ٤) كمال أبوديب: المنهج البنوي

٦٢- عین الصحيح:

١) إنَّ العقاد في كتابه «ابن الرومي حياته من شعره» يجسد اتجاه التحليل الاجتماعي من خلال شرح أحداث حياة الشاعر و أحواله و عاداته من خلال شعره!

٢) يعتقد العقاد من مجموعة الأدباء المعاصرين أنَّ النقد الاجتماعي أحقَّ مدارس النقد للاتباع، فعلينا أن نتخذه في أعمالنا الأدبية!

٣) من أهمَّ سلبيات المنهج النفسي عدم إمكانية عقد علاقة سببية بين العامل النفسي من ناحية و الإبداع ذاته من ناحية أخرى!

٤) النقد النفسي لا يستطيع أن يفسِّر لنا الفوارق بين مائة شاعر أو كاتب في مجتمع واحد بل في مجتمعات متباينة!

٦٣ - عین الصحيح عن المنهج النفسي:

١) في نظر رائد المنهج النفسي «فرويد» إن الدافع الجنسي هو الأساس في أعمال الإنسان حيث إنه واع به!

٢) «يونج» تلميذ فرويد على خلاف أستاذه يعتقد أن الدافع الرئيس في عمل الإنسان جمعي لا فردي!

٣) الناقد في هذا الاتجاه يركز على فهم الأسباب الحقيقية التي دفعت المانع إلى إبداع أثره من البيئة والحوادث والأشخاص!

٤) الأديب في النقد النفسي يعتني بعالم يقع فيه النفس و هو عالم الأشياء و ما هو مؤثر في تكوين الواقع الخارجي!

٦٤ - عین الصحيح:

١) على أساس الاتجاه النفسي إن الفنان حين يقوم بحذف شيء أو ذكره بالإطناب في عمله يفطن إلى ذلك!

٢) الرؤية النرجسية من اتجاهات المنهج النفسي في عملية فهم النص حيث إن الفرد يغرق في حب الآخرين و شائمهم!

٣) الهدف النهائي من تفسير التحليل النفسي للعمل الفني يمكن في تفسير ظاهرة العمل و الاهتمام بالصورة و الشكل أكثر من المعنى و الأسلوب!

٤) الفنان عند فرويد عصامي يلوذ بعالم الخيال حيث يجد هناك ما يعوّضه عن عدم إشباع رغباته فيحمي نفسه عن طريق أثره من الجنون!

٦٥ - عین الخطأ:

١) من بين المدارس الأدبية هي مدرسة «الرمزيّة» التي تعتمد على التعبير عن العناصر غير العاقلة في الشعور!

٢) إن القصّاصين خاصّة هم الذين أخذوا يرسمون شخصياتهم على أساس «تيار الوعي» فأستفادوا من نظرية فرويد!

٣) كان فرويد يعتقد أن الأدباء أدرى بأسرار النفس واللاؤعي؛ فعلى علماء النفس الإفاده من مكونات الأعمال الأدبية!

٤) النقد السيكولوجي الذي يركز على المؤلف في عملية فهم النص قد تأثر كثيراً بمنحي فرويد في ما يتعلق بفهم الأثر الأدبي!

پی اچ دی تست؛ فحستین و ب سایت تخصصی آزمون دکتری

صفحه ۱۵

362A

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه متمرکز) - کد (۲۱۱۰)

۶۶- عین الخطأ:

۱) على أساس المنهج التاريخي أبوالعلاء ثمرة من ثمرات عصره؛ قد عمل في إنصажها الزمان والمكان والبيئة!

۲) النقد التاريخي يندرج تحت المنظومة السياقية لأنّه يسلط الأضواء على جوانب لها علاقة بالعمل الأدبي!

۳) كان طه حسين وعقاد يؤكّدان كثيراً على ضرورة معرفة البيئة في نقد الشعر لكلّ أمة و جيل!

۴) المنهج التاريخي يفسح مجالاً مناسباً للعصرية الشخصية في إنتاج الآثار الأدبية و الفنية!

۶۷- عین الصحيح:

۱) في المنهج الأسطوري يكتفي الناقد بفهم الطقوس و المعتقدات و عادات المجتمعات البدائية و أثرها في توليد الأثر الفني!

۲) المنهج الأسطوري نشأ بين أحضان علوم ثلاثة: مدرسة التحليل النفسي، الدراسات الانثروبولوجية، الفلسفة الرمزية!

۳) إنّ الأساس الذي قام عليه المنهج الأسطوري يتمثل فيما عرف بـ «اللاشعور الفردي» الذي نادى به فرويد!

۴) المنهج الأسطوري من المناهج التي تتبنّى على المنهج السياقي!

۶۸- عین الخطأ:

۱) إنّ الشعر الجاهلي قد فاز بنصيب عظيم من الدراسات الأسلوبية بسبب انتشار الوثنية و عبادة الآلهة و اقتراحه من منابع الفطرة الأولى للعقلية العربية البدائية!

۲) إنما الدراسات الأسطورية تدرس الخرافات لأنّها حكايات بطولية أبطالها في الغالب من البشر أو من الجنّ و ليس لها علاقة بالآلهة و المعتقدات الأولية!

۳) إنّ أبرز المأخذ التي توخذ على المنهج الأسطوري هو أنّ نقدم لم يخل من الانطباعية التي يجب أن يكون النقد الموضوعي بمنجاة منها!

۴) من عيوب المنهج الأسطوري هو أنّ الحدود الفاصلة بين الفنّ و الأسطورة و بين الفنّ و الدين فيه تختفي!

۶۹- عین الخطأ عن المنهج البنوي:

۱) ليس من مهمّة هذا المنهج بيان جودة النصوص أو ردايتها ولكنّه يحاول كيفية تركيباتها و المعاني التي تتطوّي عليها عناصر النصّ في تألفها!

۲) البنوية طريقة وصفية في قراءة النصّ الأدبي تستند إلى خطوتين أساسيتين و هما التفكّيك و التركيب!

۳) إنّ البنوية التكوينية زاوجت بين الرؤيا الاجتماعية و بنية النص فأوجدت اتجاهًا نقديًا جديداً!

۴) إنّ البنوية تبنّت القول بأنّ النصّ هو طفل المؤلّف و إنّه يعبر عن ذاته!

پی اچ دی تست؛ فاختین و ب سایت تخصصی آزمون دکتری

صفحه ۱۶

362A

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌تم مرکز) - کد (۲۱۱۰)

- ۷۰ - عین الخطأ:

- ۱) في النقد الموضوعي يعتمد الناقد على المنطق و الحجج العقلية و يجتنب ما لم يكن له أُسّ!
- ۲) في النقد الذاتي يعتمد الأديب على مشاعر المخاطب و أحاسيسه فيحاول أن يتسلّب إلى ذوات الأشياء!
- ۳) نقد النص بحاجة إلى رؤية موضوعية مؤطرة، كما يحتاج إلى رؤية ذاتية تعني بما يجيئ بصدر الناقد!
- ۴) في النقد الانطباعي يعني الناقد بالتجارب و الواقع التي رأها و عاش معها فإنه نقد تجرببي يعتمد على التجربة و الواقع!

■ ■ اقرأ النصوص التالية (الف - ب - ج - د - ه - و) ثم أجب عن الأسئلة (۱۰۰-۷۱) بما يناسب النص

الف (۷۴-۷۱)

قال الله تعالى في كتابه المجيد في سورة محمد: ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدَوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ ماتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ، فَلَا تَهْنُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنُ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَرْكِمَ أَعْمَالَكُمْ، إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لُبْرُ وَ لَهُوَ، وَ إِنْ تُؤْمِنُوا وَ تَتَقَوَّلُو يُؤْتُكُمْ أَجُورُكُمْ وَ لَا يَسْأَلُكُمْ أَمْوَالَكُمْ، إِنْ يَسْأَلُكُمُوهَا فَيُحَقِّكُمْ تَبَخْلُو وَ يُخْرُجُ أَضْغَانَكُمْ ﴾

- ۷۱ - عین الخطأ:

- ۱) سبب عدم دفع الأموال و البخل فيه يعود إلى وجود نزعات الضعف و الإحفاء!
- ۲) التمتع بالأجور أمر قصديّ؛ فإن لم نقصد و لم ننو شيئاً فلا أجر و لا ثواب!
- ۳) ربما هناك من يؤمن بالله و يتقيه لكنه يدخل في تسليم أمواله و إنفاقه كلّها!
- ۴) إن الأمور الاعتباطية و ما يقوم به الإنسان تلقائياً لا تتمتع بأجر آخر!

- ۷۲ - عین الصحیح:

- ۱) كما نفهم من الآية بعد دعوة العدو إلى السلم فلانقبله بل نرفضه!
- ۲) إذا كان الله معنا فإنه حينئذ لا يتزّ من أعمالنا شيئاً!
- ۳) شرط إتيان أجوركم هو الإيمان بالله وحده فقط!
- ۴) إن ما نقوم به في هذه الدنيا يستنسخ فيبقى!

- ۷۳ - عین الخطأ:

- ۱) من لم يعتقد بوحدانية الله فهذا يكفيه لئلا يكون من المغفورين!
- ۲) من لم يعمل كما أمر الله و رسوله فإنه لم ي عمل شيئاً!
- ۳) فهم كلام الله و ما قام به الرسول من لوازم الإطاعة!
- ۴) إن الكافر الذي لا يصد عن سبيل الله فربما يُغفر!

٧٤- عین الصحيح:

- ١) أنتم الأعلون = شما برتر هستید!
- ٢) لن يترككم أعمالكم = کارهای شما را کم نخواهد کرد!
- ٣) إنما الحياة الدنيا لعب و لهو = بی‌شک زندگی دنیا لهو و لعب است!
- ٤) إن يسألكموها فيحفكم تخلوا = اگر آن را از شما بخواهند و شما را مجبور کنند، بخل می‌ورزید!

ب - (٨٠-٧٥)

في نهج البلاغة قال الإمام (ع) في خطبة: و لقد كان في رسول الله ما يدلّ على مساوى الدنيا و عيوبها، إذ جاع فيها مع خاصته و زُويت عنه زخارفها مع عظيم زلفته. فلينظر ناظرٌ بعقله، أكرم الله محمداً بذلك أم أهانه! فإن قال: أهانه، فقد كذب - و الله العظيم - بـالإفك العظيم، و إن قال أكرمه فليعلم أنَّ الله قد أهان غيره حيث بسط الدنيا له و زواها عن أقرب الناس منه! فتأسَّى متأسٌ بنبيه و اقتصرَ أثره و ولجَ مولجه و إلا فلا يأمنُ الهلاكة.... و الله لقد رقعتْ مدرعتي هذه حتى استحييت من راقعها! و لقد قال لي قائل: ألا تَبَدِّلُها عنك؟ فقلت: أغربُ عنِي فعند الصباح يَحمدُ القومُ السُّرَى!

٧٥- لماذا يقول الإمام إنَّ من اعتقاد أنَّ الله أهان محمداً فقد كذب؟

- ١) لأنَّ الله لا يهين أحداً من خلقه، فكيف بدبنيه المختار !
- ٢) لأنَّ الإهانة تعني الخطيئة؛ فسبحان الله من هذا!
- ٣) لأنَّ الإهانة هي سوء الظن بالله الرحيم!
- ٤) لأنَّ الاصطفاء والإهانة لا يجتمعان!

٧٦- عین الصحيح:

- ١) هناك من كان من أنصار الإمام لكنه لم يكن يعرف أسلوب حياته!
- ٢) إنَّ رسول الله لم يقصد الحصول على الدنيا و ما فيها من النعم!
- ٣) إنَّ النعم و فದانها هي آلة مسبارية في تمييز الطالح و الصالح!
- ٤) كان الإمام يستحيي من المرفع إذا يدفع إليه لباسه ليرفعه!

٧٧- لماذا يرفع الإمام لباسه؟

- ١) من صارع الشدائـد فالنصر حليفه!
- ٢) بسبب الاستحياء ممـن يرفعه!
- ٣) لأنَّ النبيـ كان يفعل نفس الشيء!

٧٨- عین الخطأ:

- ١) من غرق في النعمـات فلا يعني أنَّ أبواب الرحمة قد فتحت له على مصراعيه لزومـاً!
- ٢) إنَّ مكروهـات الدنيا و نواصـتها لـانتـشير إلى مكانـة ملـازـمـها و رـفـيقـها عند اللهـ!
- ٣) إنَّ عـيـوبـ الدـنـيـا و سـيـئـاتـها حـلـيفـة السـفـلةـ و الكـذـبةـ!
- ٤) لم يكن رسول اللهـ وحـيدـاً في تحـمـل التـرحـ و الكـدـ!

- ۷۹ عین الخطأ في المستنبط من العبارة التالية: «عند الصباح يحمد القوم السّرى!»

۱) وقت اقتطاف الشّرات الحاصلون يُعطون!

۲) حين تُرفع الحجب عن الأ بصار فإنَّ السّاعين يكرمون!

۳) إنَّ الساهرين في اليوم الموعود عزيزون و النائمون نادمون!

۴) قد يعي النائمون حين تطلع الشّمس فعندئذ يدركون ما ضاع منهم من الفرص!

- ۸۰ عین الصحيح:

۲) مع عظيم زلفته = مع رفعة منزلته!

۱) ألا تتبذها؟ = ألا تكرهها؟

۴) اقتضى أثره = أخذ منه قصاصه!

۳) ولج مولجه = أدخل ما أدخله!

ج - (۸۱-۸۴)

من نماذج صياغة المزاوجات اللفظية عند الشاعر الجاهلي هي مايلي:

شَابِيبْ مَوْتْ أَسْبَلْتْ وَ اسْتَهَلتْ

فجادت على الْهَامِرْز وَسْنَطْ بِيَوْتَهُمْ

أو:

وَ خَضَتْ النَّقْعَ لَا أَخْشَى الْلَّاحِقَا

شَفَقْتْ بِصَدْرِهِ مَوْجَ الْمَنَايَا

أو:

حَبَالُ الْمَنَايَا لِلْفَتَى كُلُّ مَرْصَدْ

لِلْمَرْءِ أَيَامٌ تُعَدُّ وَ قَدْ رَعَتْ

أو:

وَ مِنْ لَبِنِ الْمَعَامِعِ قَدْ سُقِيتْ

وَ فِي الْحَرْبِ الْعَوَانِ وَلَدَتْ طَفَلًا

۴) مفاجأة الموت!

۳) تسلط الموت!

- ۸۱ عین الصحيح: «شَابِيبْ المَوْتْ» توحى بـ

۱) صاعقة الموت! ۲) شمولية الموت!

۴) طغيان الموت!

۴) شدة الموت!

- ۸۲ عین الصحيح: «مَوْجَ الْمَنَايَا» يصور

۱) سقوط الموت فوق الرؤوس!

۳) اتساع مدى الموت!

۲) جلة الموت و تحايله!

۴) الوقوع في أسر الموت و عدم الفكاك منه!

۱) صلابة الموت و شدته!

۳) انتشار الموت و تفوقه!

۲) بسالة الشاعر في المعركة!

۴) طول اعتياد الشاعر الحرب!

- ۸۳ عین الصحيح: «حَبَالُ الْمَنَايَا» توحى بـ

۱) براعة الشاعر في ساحة الحرب!

۳) علم الشاعر بفنون الحرب!

د - (۸۵-۹۰)

أنشد الشاعر الجاهلي الشنفرى أبياتاً، إليكم منها:

و فيهم من خاف القوى متعزل
سرى راغباً أو راهباً، وهو يعقل
مجدعة سُقانها وهي بُهْل
يُطالعها في شأنه كيف يفعل
يظل به المكاء يعلو ويسلف
هُدى الهوجل العَسِيف يهماء هوجل
خُوطة ماري تُغار و تُفل

و في الأرض متأى للكريم عن الأذى
لعمرك ما بالأرض ضيق على أمرئ
ولست بمهياف يعشّي سوامه
ولا جبّاً أكهى مُربٌ بعرسه
ولا خرق هيق كأن فؤاده
ولست بمحيار الظلام إذا انتحت
و أطوي على الخمس الحوايا، كما انطوت

۸۵- لماذا كان الإنسان الجاهلي يتبع الآخرين ويقوم بالرحلة؟ عين الخطأ:

- ۱) إن سعة الأرض تدعو ساكنيها لأن يبقوا في مكان واحد!
- ۲) خوفاً من أذى كان يفضل لأن يبقى في مكان واحد!
- ۳) كان يحب السفر و التنقل من نقطة إلى أخرى!
- ۴) لأنه لم يكن يريد أن يتأنى من المبغضين!

۸۶- عين الخطأ: مما يشاهد بعض الأحيان في سلوكيات الإنسان الجاهلي هو

- ۱) الهجرة!
- ۲) قيام الرجال بقتل الخيوط!
- ۳) الاستشارة بالنساء في أمور البيت!
- ۴) عين الصحيح:

- ۱) كان الجاهلي بعيداً عن التأمل و الحجة!
- ۲) لم يكن الشاعر يرغب في أن يقيم بيته!
- ۳) كان الشاعر يضع كيساً على ثدي الناقة حتى لا يتضرع صغارها منهما!
- ۴) كانت سفرة الجاهلي عن ميل و رغبة فقلما يرحل عن جبن و رهبة!

۸۸- عين الصحيح: الشاعر في الأبيات المذكورة

- ۱) يفخر بنفسه!
- ۲) يشجع الآخرين على الرحلة!
- ۳) يمدح و يثني أقرانه!
- ۴) يشكّي مصائب حلّت به!

۸۹- عن أيّة صفات لم يتكلّم الشاعر؟

- ۱) القدرة و القوّة
- ۲) الصبر و التجدد
- ۳) الجود و الإنفاق
- ۴) الضعف و الخنوع

پی اچ دی تست؛ فحستین و ب سایت تخصصی آزمون دکتری

صفحه ۲۰

362A

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌تمركز) - کد (۲۱۱۰)

٩٠ - عین الخطأ في المراد مما يأتي:

- ١) لست بمحيار الظلام = في ظلمة الليل لا أضل طريقي فلا أكون فيها حائراً!
- ٢) أطوي على الخمس الحوايا = أتحمل الجوع و ألف و أشدّ أمعائي و أحشائي!
- ٣) لست بمھیاف يعشی سوامه = لا أعطش وسط النهار فلست مجبراً أن أرعى قطعاني ليلاً!
- ٤) في الأرض منأى للكريم عن الأذى = من لم يرد أن يؤذى الآخرين فله منازل بعيدة في الأرض!

٥- (٩٣-٩١)

قد أنسد الشاعر أبو فراس الأبيات التالية:

أَمَّا لِلَّهِ وَيْ نَهَىٰ عَلَيْكُ وَلَا أَمْرٌ
وَلَكُنَّ مَثَلِي لَا يُذَاعُ لَهُ سَرٌ
وَأَذْلَلَتْ دُمَعًا مِنْ خَلَاقِهِ الْكَبِيرُ
إِذَا هِيَ أَذْكَرَهَا الصَّبَابَةُ وَالْفَدَرُ
إِذَا مَتْ ظَمَانًا فَلَا نَزَلَ الْقَطَرُ

١) أراك عصي الدمع شيمتك الصبر
٢) بلى أنا مشتاق و عندي لوعة
٣) إذا الليل أضواني بسأط يد الهوى
٤) تكاد تضيء النار بين جوانحي
٥) معللتني بالوعد و الموت دونه

٩١ - عین الصحيح عن البيت الأول:

- ١) الدمع هو رمز للشاعر يدل على العذاب و البؤس أو اليأس و القنوط!
- ٢) يحرص الشاعر على أن يكشف عما قد يذله أو ينقص من رجولته!
- ٣) شاعرنا هو أمرؤ سلبي النزعة، لا يؤمن بالكرامة الإنسانية و الإباء!
- ٤) الدمع الذي يشير إليه الشاعر هو الدمع الذي تتحدر شأبيه من المأقي!

٩٢ - عین الخطأ:

- ١) ظاهر المعنى في البيت الرابع غزلي و باطنه فخر بالذات!
- ٢) «الليل» في البيت الثالث يرمي إلى التكتم و إلى الحرث على الكرامة!
- ٣) في البيت الثاني يؤثر الشاعر الوصال على الحرمان فيعبر عن حرقة القلبية!
- ٤) الموت الذي يصرّح عنه الشاعر في البيت الخامس هو ما يسبب العذاب و الحرمان!

٩٣ - عین الصحيح: عبارة «أراك عصي الدمع» تدل على

- ١) الحرمان!
- ٢) الأنفة!
- ٣) القدرة!
- ٤) تأجّج الشوق!

(۱۰۰-۹۴) - و

أنشد الشاعر المصري إبراهيم ناجي قصيدة باسم «الأطلال»؛ يلتم مقطفاتها منها:

كَانَ صَرْحًا مِنْ خَيْالٍ فَهُوَ
وَارِدٌ عَنِّي طَلَمَ الْأَنْتَمُ رُوِيَ
فِيهِ نُبُلٌ وَجَلَلٌ وَحِيَاءٌ
ظَالِمٌ الْحُسْنُ شَهِيُّ الْكَبِيرِيَاءُ
سَاهِمٌ الطَّرْفُ كَأَحْلَامِ الْمَسَاءِ
فَتَنَّةٌ تَمَّتْ سَنَاءُ وَسَانِي
وَنَدِيمٌ قَدْمُ الْكَأْسِ لَنَا
لَغْبَارٌ آدَمٌ يُمْسِنَا
مَا بَأْيَ دِينَا خَلَقَنَا تَعْبَرَاءُ

- (١) يَا فَوَادِي رَحْمَمَ اللَّهُ الْهَوَى
(٢) إِسْقَنْتَنِي وَإِشْرَبَ عَلَى أَطْلَالِهِ
(٣) أَيْنَ مِنْ عَيْنِي حَبِيبٌ سَاحِرٌ
(٤) وَأَثْقَقُ الْخُطْوَةَ يَمْشِي مَكَّاً
(٥) عَبِقُ السَّحْرِ كَأَنْفَاسَ الرَّبُّى
(٦) أَيْنَ مِنْنِي مَجَسْنَ أَنْتَ بِهِ
(٧) وَمِنْ الشَّوْقِ رَسْوَلٌ بَيْنَنَا
(٨) وَسَقَانَا فَاتَّفَضْ نَاهِظَةً
(٩) يَا حَبِيبِي كُلُّ شَيْءٍ بِقَضَاءِ

^{٩٤} - عين الصحيح: غرض الشاعر من استدعاء الماضي بكلمة «الأطلال» هو

- ١) استذكار ما كان له من حب!
٢) الجلوس على بقايا منزل الحبيب!
٣) تشبيه خراب منزله الذي هجره أهله بترحال محبوبته!
٤) تذكر ما كان له في هذا الخراب البلقع من ذكريات موحشة!

- ٩٥ - عَنِ الخطأ:

١) بطلب الشاعر من هو انه سقى على اطلال محبوبه!

٢) كان وهو في الشارع قوياً جداً لكنه تداعى لأن دعائمه لم تكن في ساحة الواقع!

٣) الشاعر سقط موضعه عاً تائباً، هو الأطلال على موضعه عصرياً يعيش فيه وهو هو! اه!

؟ بخاطب الشاعر ما هو بدا، عصره، بدل مخاطبة الشاعر القديم للصاغرين أو الساقرين ...؟

-٩٦ - لم يوصف حب الشاعر !

٤) شیف

٣) ظالم

٢) مذفون

فاتح

٩٧ - عن الخطأ:

١) يعتقد الشاعر أنّ رائحة فمه عطرة مثل نسائم الصّحاري !

٢) إن العقاب بما لا يدرك مدعى ما تحمل الشاعر من حزن و كآبة فلهذا لا يخاطبه في هذه الأيات!

(٣) إن النديم على خلاف ما يحده في مجالس الآنس، الذي يسامي ويشب، هنا يسوق ويشب!

٤) قد ظهرت في هذه الآيات الوحدة الموضوعية، لذلك نعتقد أنَّ عنوان القصيدة يعادل عن موضوعها!

پی اچ دی تست؛ فحستین و ب سایت تخصصی آزمون دکتری

صفحه ۲۲

362A

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌تمركز) - کد (۲۱۱۰)

۹۸ - عین الخطأ:

۱) في البيت الثاني يخاطب الشاعر قلبه و يطلب منه أن يحكى ما نزل عليه من المأسى و الشدائى!

۲) إن الشاعر يعتقد أنه لم يكن مسبباً عما جرى في حياته و ما رأى و سمع من الآخرين!

۳) في البيت الرابع كثير المحبوب عند الشاعر كان حلواً فلم يجعل فيه ما يوحى استياءً!

۴) في هذا الحوار يستكى الشاعر من ظلم حبيبته فيصفها بما يظهر سلبياتها!

۹۹ - عین الأنساب لشرح البيت السادس:

۱) أين راح ذلك المجلس الذي كان يضمنا و أنت كنت فيه فانتاً كاملاً ضوءاً و بهاءً!

۲) لا أليق بحضور مجلس كنت أنت فيه و تلك فتنة مستوعبة ضمت الجميع تلاؤاً و شرفًا!

۳) أين ذلك المجلس الذي كنت أنت فيه؛ فهذا ما يفتنني و يغريني حين يتم نوره و يرتفع و يصبح قمراً كاملاً!

۴) لست أهلاً لأنتحق بمجلس أنت أحد أعضائه فهذه فتنة يُكمّل ضوءها و شأنها حين تساهم فيه و يكتمل الحضور بوجودك!

۱۰۰ - عین البيت الذي يتكلّم الشاعر أنه أصبح فجأة واعياً بما يحويه و يحيطه:

۱) البيت الخامس ۲) البيت الثامن ۳) البيت الرابع ۴) البيت السادس

پی اچ دی تست؛ نخستین وب سایت تخصصی آزمون دکتری

صفحه ۲۳

362A

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌مت مرکز) – کد (۲۱۱۰)

آخرین اخبار و اطلاعات آزمون دکتری در وب سایت پی اچ دی تست

پی اچ دی تست؛ نخستین وب سایت تخصصی آزمون دکتری

صفحه ۲۴

362A

آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌مت مرکز) – کد (۲۱۱۰)

آخرین اخبار و اطلاعات آزمون دکتری در وب سایت پی اچ دی تست